

ادب کلامی و اجتماع

مجموعه مقالات نخستین همایش ملی

1st National Conference on Verbal Politeness and Society

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۵

به کوشش
زهره ابوالحسنی چیمه / بهروز محمودی بختیاری



مجموعه مقالات نخستین همایش ملی

ادب کلامی و اجتماع

به کوشش

زهرا ابوالحسنی چیمه

بهرروز محمودی بختیاری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



همایش ملی ادب کلامی و اجتماع (نخستین: ۱۳۹۶: تهران)
مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادب کلامی و اجتماع / به کوشش: زهرا
ابوالحسنی چیمه؛ بهروز محمودی بختیاری / برگزارکننده: انجمن زبان‌شناسی ایران.
تهران: نشر نویسه پارس، ۱۳۹۶.
۲۵۷ ص: مضمون، جدول، نمودار.
۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۴۶-۲

فبا

جامعه‌شناسی زبان -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
Sociolinguistics -- Addresses, essays, lectures
جامعه‌شناسی زبان
Sociolinguistics

ابوالحسنی چیمه، زهرا، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده.
محمودی بختیاری، بهروز، ۱۳۵۲ - ، گردآورنده.
انجمن زبان‌شناسی ایران.

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام / Islamic World Science Citation Center

P۴۰/۸۸ ۱۳۹۶

۳۰۶/۴۴

۴۶۵۵۵۵۶

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



مجموعه مقالات

نخستین همایش ملی ادب کلامی و اجتماع

به کوشش: زهرا ابوالحسنی چیمه / بهروز محمودی بختیاری

طراح جلد، گرافیک، صفحه آرایی و ناظر فنی چاپ: محمد محرابی

www.mehraabi.com / 091251693545

ناشر: نشر نویسه پاریسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۹۵۷۱۳۲

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳-۴۶-۲

چاپ و صحافی: ناشران

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پاریسی» است.
تکثیر و انتشار این اثر با قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.



دارای درجه علمی - پژوهشی نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

دارای درجه علمی - پژوهشی، براساس بند ۱ ماده ۳ آیین نامه نحوه برگزاری و ساماندهی
همایش‌های علمی ابلاغیه شماره ۲/۱۶۸۳۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.



مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادب کلامی و اجتماع

برگزارکننده

انجمن زبان‌شناسی ایران

با همکاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

نشر نویسه پارسی

سازمان همایش

دکتر زهرا ابوالحسنی چیمه دبیر علمی

دکتر بهروز محمودی بختیاری دبیر علمی

زهرا ابراهیم بانکی دبیر اجرایی

کمیته علمی

دکتر مجتبی منشی‌زاده عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر محمد راسخ‌مهند عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی همدان

دکتر محمد عموزاده عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

دکتر رضا خیرآبادی عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی

دکتر سعید رضایی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف

دکتر مهید غفاری عضو هیئت علمی دانشگاه کمبریج

دکتر سپیده عبدالکریمی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر زهرا ابوالحسنی چیمه عضو هیئت علمی پژوهشگاه سمت

دکتر بهروز محمودی بختیاری عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه تهران

هیئت داوران

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر مجتبی منشی زاده
عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی همدان	دکتر محمد راسخ مهند
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	دکتر محمد عموزاده
عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی	دکتر رضا خیرآبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف	دکتر سعید رضایی
عضو هیئت علمی دانشگاه کمبریج	دکتر مهید غفاری
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دکتر سپیده عبدالکریمی
عضو هیئت علمی پژوهشکده سمت	دکتر زهرا ابوالحسنی چیمه
عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه تهران	دکتر بهروز محمودی بختیاری

کمیته اجرایی

سهیلا ایزدی، محمدحسن ترابی، سمیرا دیلمقانی، زهرا فتحعلی، بیتا قوچانی،
ریحانه منظوری، طاهره همتی

۹	پیشگفتار
۱۳	تأثیر شبکه‌های مجازی اجتماعی بر ادب کلامی: مطالعه موردی نظر کاربران دانشگاه ایلام طاهره افشار - مرضیه قاسمی
۳۷	بررسی کنش گفتاری نفرین در گویش بختیاری زز و ماهرو غلامرضا خادمی
۶۱	تحلیل مبانی ادب و بی‌ادبی کلامی در مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری امریکا ۲۰۱۶ امیر رضائی‌پناه - سمیه شوکتی مقرب
۸۵	ارزیابی شاخص سبکی - جنسیتی ادب در ادبیات نمایشی ایران بهزاد رهبر - بهروز محمودی بختیاری
۱۱۱	بررسی میزان استفاده از راهبردهای ادب جهت حفظ وجهه در همسایگان شاهد زندیه راد
۱۳۵	بازنگری تعریف مفهوم «وجهه» در فرهنگ ایرانی: بررسی کارایی نظریه‌های «ادب کلامی» در فرهنگ ایرانی سمیه سلیمان - سپیده عبدالکریمی
۱۶۵	بررسی ادب و بی‌ادبی کلامی در گفتگوها و گزارش‌های ورزشی تلویزیون مژگان سوقانی - زهرا ابوالحسنی چیمه

- ۱۹۳ بررسی دیدگاه زبان آموزان غیر فارسی زبان در پاسخ به پرسش‌های آزمون منظورشناسی تعارف: تجزیه و تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در میزان درک کنش‌های گفتاری احترام آمیز و ادب
امین شهبازی - زری سعیدی
- ۲۱۳ بررسی میزان کاربست اصول ادب لیچ در اشعار پروین اعتصامی
آزاده کشور دوست - رضا خیرآبادی
- ۲۳۵ درک الگوهای فرمانی متداول مستقیم و غیرمستقیم: بر اساس مشاهداتی از فارسی‌زبانان عزت‌اله کلانتری خاندانی

دیرگاهی است که دانش زبان‌شناسی با کشاندن آراء خود به حوزه اجتماع، زمینه را برای کاربردی کردن دانش زیبای این معجزه هستی فراهم کرده است. با این وصف، عمر مفید زبان‌شناسی اجتماعی هنوز کمی بیش از نیم قرن است و مباحث قابل طرح در حوزه ادب، از آن نیز جوان‌تر. تعریف ادب و گفتمان مؤدبانه، به ویژه از جنبه زبان‌شناختی آن همانند سایر بخش‌های علم زبان، تابع اصولی جهانی و مؤلفه‌هایی فرهنگی است، و بخشی از نظریه‌های حوزه ادب همگانی‌تر از بخش‌های دیگر آن هستند. با این وجود، علیرغم پژوهش‌های نظری و عملی انجام شده در گوشه و کنار دنیا، هنوز با یقین نمی‌توان گفت که نظریه‌های موجود در ادب کلامی تا چه میزان جهان‌شمول و تا چه اندازه فرهنگ‌بنیاد هستند.

همه ما مدعی هستیم که رفتار مؤدبانه را تشخیص می‌دهیم، اما عمدتاً در تعریف معیارهای این تشخیص، به ویژه با نگاه فرهنگی، و باز به‌خصوص هنگامی که از ادب کلامی سخن می‌گوییم، کمتر اتفاق نظر داریم. تمامی نظریه‌های ادب، از اصول همکاری گرایس^۱، رویکرد ارتباطی لیکاف^۲، اصل ادب لیچ^۳، راهبردهای وجهه‌بنیاد براون^۴ و لوینسون^۵ تا نظریه بی‌ادبی کالپر^۶، همگی به هم برآمده‌اند تا مفاهیم‌ای جهانی- فرهنگی از ادب کلامی به دست دهند. همه این نظریه‌ها راهکارهایی را جهت ایجاد، حفظ یا ارتقاء هماهنگی اجتماعی به دست می‌دهند. «به اندازه بگو»ی گرایس، «واضح و مؤدب باش» لیکاف، «تدبیر و سخاوت و تأیید و تواضع و همدردی» لیچ، «صمیمیت و تهدید» براون و لوینسون و «طعنه و بی‌ادبی آشکار» کالپر همه به نوعی در

^۱ P. Grice

^۲ R. Lakoff

^۳ G. Leech

^۴ P. Brown

^۵ S. C. Levinson

^۶ J. Culpeper

فرهنگ بومی و ادبی ما نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما این آراء تا چه میزان همگانی، منسجم، عملیاتی و قابل اطلاق بر فرهنگ ماست؟ «کم گوی و گزیده گوی چون در، تا ز اندک تو جهان شود پر»، تنها یک مصداق از این فرهنگ جهانی- ملی است.

همایش‌هایی از نوع «ادب کلامی و اجتماع» قدم‌هایی در راه روشن کردن مفهوم جهانی ادب کلامی، مفهوم فرهنگی و خرده‌فرهنگی ادب، رابطه بین نظریه‌های ادب و اجتماع و در نهایت آزمون نظریه‌های غربی در جامعه و فرهنگ ملی ماست. در این اولین همایش از این دست، بی‌آنکه ادعایی بر گسترش مرز دانش داشته باشیم، امیدوار به پیشبرد عملی کردن علم در این حوزه و لمس هدف آرمانی شناخت بیشتر و در نتیجه عملکرد بهتر آن در عرصه‌های عمومی (مانند عرصه‌های آموزشی و رسانه‌ای) هستیم.

آنچه در این گردهمایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، پرداختن به عمق موضوعی علمی- عملی است. با این حال، ارسال بیش از سی و چهار (۳۴) چکیده به دبیرخانه همایش نشان از استقبال از موضوع، و حاکی از اهمیت و نیاز به آن است. در بررسی اولیه تعداد بیست و سه (۲۳) چکیده انتخاب و با توجه به محتوا و ساختار مقالات، محدودیت شدید زمانی همایش و محدودیت فضایی مجموعه مقالات، در نهایت نه (۹) مقاله برای ارائه و چاپ، یک (۱) مقاله فقط برای ارائه، یک (۱) مقاله فقط برای چاپ و هشت (۸) مقاله برای ارائه به صورت پوستر برگزیده شدند. ضمن آن که به همین دلایل محدودیت پیش گفته، عذرخواه پژوهشگرانی هستیم که قول بهره‌مندی از دانش‌شان را در همایش‌های دیگر به خود داده‌ایم، که این همایش تازه شروع است و ابتدای راه.

از همدلان و همکاران عزیزی که ما را در به ثمر رساندن این همایش یاری کردند، سپاسگزاریم. از مسئولان محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ویژه رئیس محترم پژوهشگاه جناب آقای دکتر قبادی؛

از رئیس محترم و استاد مهربان پژوهشکده زبان‌شناسی، جناب آقای دکتر مصطفی عاصی؛ از مرد علم و نشر، مدیر محترم نشر نویسه پارسی، جناب آقای امیر احمدی؛ و از رئیس محترم و سختکوش انجمن زبان‌شناسی، سرکار خانم دکتر بلقیس روشن، که همگی با انگیزه فراوان پشتیبان ما در این همایش بودند، سپاسگزاریم. از اعضاء کمیته علمی و هیات داوران سپاس ویژه داریم، که همراهمان بودند و با دقت مقالات را بررسی کردند. تلاش اعضاء کمیته اجرایی به ویژه دبیر اجرایی همایش سرکار خانم زهرا ابراهیم بانکی را پاس می‌داریم؛ و از همه پژوهشگران، استادان، دانشجویان و علاقه‌مندانی که رونق‌بخش این حرکت بوده‌اند ممنونیم و همگی آنها را سرمایه‌های ارزشمند زبان‌شناسی کشورمان می‌دانیم.

فروردین ۱۳۹۶، نه کامل‌ترین گام، که اولین گام به سوی رصد علمی مقوله ادب کلامی در اجتماع ماست. صمیمانه امیدواریم که با ادامه تلاشمان برای ایجاد پیوند دانش زبان‌شناسی با جامعه، نشان دهیم که زبان‌شناسی برای شناخت و اصلاح بسیاری از ناهنجاری‌ها، پیشنهادهای موثر دارد. در گام‌های بعدی‌مان نیز به حضور پژوهشگران علاقه‌مند این حوزه دلگرم و امیدواریم.

زهرا ابوالحسنی چیمه و بهروز محمودی بختیاری

فروردین ۱۳۹۶

بررسی میزان کاربست اصول ادب لیچ^۱ در اشعار پروین اعتصامی

آزاده کشور دوست^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر رضاخیر آبادی^۳

عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

بی‌تردید پروین اعتصامی یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایرانی به شمار می‌رود که اشعار وی ماهیت مناظره‌ای داشته و مبتنی بر ترتیب سخن گفتن شخصیت‌های شرکت‌کننده در گفتمان است. از طرف دیگر لیچ، گفتمان را نوعی مراوده زبان‌شناختی می‌داند و برای پیشبرد موفق ارتباط، شش اصل با محوریت «ادب» پیشنهاد کرده است. وی معتقد است که ادب، توانایی طرفین حاضر در یک تعامل اجتماعی برای ایجاد تعادلی نسبی در یک فرایند ارتباطی بوده و رفتاری است که سبب بقاء ارتباط می‌شود. هدف این پژوهش که از نوع تحلیلی - توصیفی بوده و به روش تحلیل محتوا انجام شده است، مقایسه موارد رعایت و نقض اصول ادب لیچ^۴ در ۲۰۰ بیت منتخب از اشعار پروین اعتصامی و پاسخ به این پرسش است که کدام یک از اصول ادب لیچ در این اشعار با بسامد بیشتری رعایت و کدام‌یک از آنها بیشتر از همه نقض شده است. بررسی این‌که آیا نقض اصول ادب لیچ در پیکره زبانی اشعار پروین اعتصامی پایان روند گفت‌وگو را به دنبال دارد یا خیر، هدف دیگر این پژوهش است. این ابیات به شیوه کتابخانه‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شده است. در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل محتوا رعایت یا نقض هر یک از اصول شش‌گانه ادب لیچ در تک تک این ابیات بررسی شده و سپس با استفاده از روش

^۱ Leech

^۲ azadeh.keshvardoost@gmail.com

^۳ rkheirabadi@gmail.com

^۴ Leech Politeness Principle

تحلیل فراوانی، بسامد رعایت یا نقض هر یک از این اصول مشخص شده و با یکدیگر مقایسه می‌شود. نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین موارد نقض اصول لیچ در ابیات منتخب از اشعار پروین اعتصامی مربوط به اصل درایت و کمترین آن مربوط به اصل همدردی است که این مساله با توجه به ماهیت تعلیمی اشعار وی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. نقض اصول ادب لیچ در این اشعار پایان فرآیند گفت‌وگو را به دنبال نداشته و مکالمه دو طرف همچنان ادامه پیدا می‌کند. دلیل این مساله را می‌توان در هدفمند بودن اشعار و تلاش برای القای مفاهیم مورد نظر شاعر به مخاطب جست‌وجو کرد.

کلیدواژه‌ها: ادب، اصول شش‌گانه ادب لیچ، پروین اعتصامی.

۱. مقدمه

اصول شش‌گانه ادب لیچ شامل اصول درایت^۱، سخاوت^۲، تائید^۳، همراهی^۴، همدردی^۵ و تواضع^۶ از شناخته‌شده‌ترین اصول کاربردشناسی به شمار می‌روند و در ادامه روند مکالمه تأثیری انکارناپذیر دارند. این اصول اگرچه برای توصیف روند مکالمه و گفت‌وگو طراحی شده است، ولی از چنان جامعیتی برخوردار است که در همه انواع ارتباط و از جمله در متون ادبی به ویژه متونی که جنبه گفت‌وگو دارند، می‌تواند کاربرد داشته باشد، و از آنجا که اشعار پروین نیز عمدتاً از نوع مناظره است، بستر مناسبی برای بررسی این اصول خواهد بود. از طرف دیگر، به‌رغم پژوهش‌های فراوانی که درباره کارنامه شاعران ایرانی انجام شده است، این بررسی‌ها عمدتاً روی حوزه فرهنگی، هنری، دراماتیک و ادبی این اشعار متمرکز بوده و توجه به بعد

^۱ Tact Maxim

^۲ Generosity Maxim

^۳ Approbation Maxim

^۴ Agreement Maxim

^۵ Sympathy Maxim

^۶ Modesty Maxim

زبان‌شناسی آنها مغفول مانده است. در این پژوهش تلاش می‌شود اشعار پروین اعتصامی، از منظر رعایت یا نقض اصول ادب لیج مورد بررسی قرار بگیرند.

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای موارد رعایت و نقض اصول ادب لیج در پیکره‌ای متشکل از ۲۰۰ بیت از اشعار پروین اعتصامی و پاسخ به این پرسش است که کدام یک از اصول شش‌گانه مد نظر لیج در اشعار پروین اعتصامی با بسامد بیشتری رعایت و کدام‌یک از آنها بیشتر از همه نقض شده است. پاسخ به این پرسش که آیا نقض اصول ادب لیج در پیکره زبانی مورد نظر منجر به قطع روند گفت‌وگو می‌شود یا خیر، هدف دیگر پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه پژوهش

پیمانی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به تجزیه و تحلیل منظوره‌ای ضمنی در مکالمات قرآن مجید پرداخته است. وی در این پژوهش برای نخستین بار فهرستی از مکالمات موجود در قرآن را ارائه و از دو اصل همکاری و ادب برای بررسی معانی دوم مکالمات قرآنی استفاده کرده است.

جهرمی (۱۳۷۷) نیز در پایان‌نامه خود به بررسی و شناخت صورتهای مؤدبانه در بعضی از جوامع عمده استان فارس پرداخته و در این راستا الفاظ، واژه‌ها و اصطلاحاتی از پیکره زبانی در برخوردهای روزمره افراد را جمع‌آوری کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در بعضی موارد افراد با کوچک و بی ارزش وانمود کردن خود و متعلقات خود از یک طرف و تکذیب و رد تعریف و ستایش دیگران از خود از طرف دیگر، سعی دارند ادب و تواضع بیشتری نسبت به دیگران ابراز دارند که در این موارد بعضی از اصول ادب نقض و بعضی دیگر رعایت می‌شوند. همچنین معمولاً زنان بیش از مردان درگیر تعارف، تعریف، احوال‌پرسی، خداحافظی و غیره می‌شوند. صحبت‌های

آنها معمولاً از اطناب کلام، تاکید و تکرار بیشتری برخوردار است و بیشتر از مردان مراقب وجهه و حرمت دیگران هستند.

پاک‌روان (۱۳۸۳: ۵۶) در پژوهشی ۱۴ گفت‌وگوی فارسی را در قالب اصول تعامل گرایس و براساس نظریه لیچ درباره قواعد آداب‌دانی در گفتار بررسی کرده است. این بررسی نشان می‌دهد که رفتار زبانی گویشوران فارسی، ریشه در بعضی از قراردادهای اجتماعی خاص این زبان دارد و غفلت از این اصول، منجر به ناقص ماندن مطالعات انجام شده می‌شود.

غضنفری (۱۳۸۷: ۲۹) طی پژوهشی تحت عنوان «جلوه‌هایی از بازتاب اصول ادب در تاریخ بیهقی» در پی کند و کاو «نظریه ادب» به مفهوم امروزی آن و مفاهیم و اصول مرتبط با آن در متن تاریخ بیهقی برآمده و به این نتیجه رسیده است که در زبان فارسی امروز، به نظر می‌رسد ما گویشوران این زبان در گفتمان مؤدبانه خود در «بزرگداشت دیگران» به خصوص در سخن گفتن از اربابان قدرت، راه میانه پیموده‌ایم، تا آنجا که گاهی از سخن‌مان بوی تملق و چاپلوسی استشمام می‌شود و در مواردی استثنایی قواعد دستوری زبان را هم زیر پا گذاشته‌ایم.

محمودی بختیاری و فرشته‌حکمت (۱۳۹۲: ۲۳) نیز طی پژوهشی، کاربرد نقض اصل ادب در تحلیل نمایشنامه «وای بر مغلوب» غلامسحین ساعدی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که به طور نسبی میزان بهره‌گیری هر شخصیت از این اصل، رابطه مستقیمی با میزان قدرت او در هر مقطع از نمایشنامه دارد. به عبارتی شخصیت‌های مقتدر که لزوماً از شان و طبقه اجتماعی بالاتری برخوردار نیستند، به طور گسترده‌تری اصول ادب را نقض می‌کنند و می‌توان چنین مدعی شد که به نوعی ساختارهای تثبیت‌شده نظام قدرت در این اثر رنگ باخته است.

بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره ادب

لیکاف^۱ (۱۹۷۷: ۷۹) از جمله نخستین زبان‌شناسانی است که مطالعاتی در حوزه اصول ادب انجام داده و بر این مساله تاکید کرده است که ادب یکی از مهمترین جنبه‌های هر تعامل است که نیاز به مطالعه علمی آن ضروری به نظر می‌رسد. نظریه لیکاف درباره ادب مبتنی بر این مساله است که افراد در هنگام تعامل، مجموعه‌ای از اصول را به کار می‌گیرند که مانع ناتمام ماندن فرآیند گفت‌وگو می‌شود (جانستون، ۲۰۰۸: ۱۴۵).

او سه اصل را در این ارتباط پیشنهاد کرده و معتقد است که این اصول معمولاً در یک تعامل موفق دنبال می‌شود:

۱- چیزی را بر مخاطب تحمیل نکنید؛ فاصله مناسب را از مخاطب حفظ کنید.

۲- گزینه‌های متفاوتی را در برابر مخاطب قرار دهید؛ به او اجازه پاسخ دادن بدهید.

۳- طوری رفتار کنید که مخاطب احساس خوبی داشته باشد؛ برابری را حفظ کنید.

به اعتقاد لیکاف، این اصول در یک تعامل موفق نقش مهمی دارند و به کار بردن آنها به منزله نقض این اصول خواهد بود.

فریزر^۲ و نولن^۳ (۱۹۹۰: ۹۶) ادب را یک «قرارداد مکالمه‌ای» تعریف کرده‌اند. به اعتقاد آنها، یک قرارداد مکالمه‌ای شامل مجموعه‌ای از اصول و تعهدات می‌شود که شرکت‌کنندگان در یک گفت‌وگو ملزم به رعایت آنها هستند ولی در عین حال می‌توانند آنها را اصلاح کنند. این قرارداد مکالمه‌ای مبتنی بر انتظارات شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو بوده و توسط آنها تعیین می‌شود.

¹ Lakeoff

² Fraser

³ Nolen

انتظارات طرفین مکالمه توسط شرایط متعارف، نهادهای اجتماعی و وضعیت تاریخی شکل می‌گیرد. شرایط متعارف، کلی هستند و می‌توانند در هر وضعیتی اعمال شوند. این شرایط شامل نوبت‌گیری در روند مکالمه و صحبت کردن با صدای بلند در حدی است که طرف دیگر مکالمه قادر به شنیدن آن باشد. (همان)

نهادهای اجتماعی به حقوق و انتظاراتی اشاره می‌کند که توسط جامعه تعیین می‌شود. به عنوان مثال صحبت کردن با صدای آهسته در کتابخانه و خطاب کردن رئیس‌جمهوری آمریکا با عنوان «آقای رئیس‌جمهور» از جمله نمودهای انتظارات نهادهای اجتماعی هستند. شرایط تاریخی به این مساله حقیقت اشاره دارد که شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، مکالمه خود را بر اساس مکالمه‌های پیشین با همین شرکت‌کنندگان یا شرکت‌کنندگانی مشابه شکل می‌دهند که شامل پیش‌زمینه‌ای ذهنی درباره قدرت یا نقش سایر شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو است. فریزر و نولن تاکید می‌کنند که هرگونه ارتباط کلامی که در این چارچوب انجام شود، مؤدبانه ارزیابی شده و گفت‌وگوهایی که خارج از این قرارداد مکالمه‌ای انجام شود، غیرمؤدبانه خواهد بود. به گفته آنها، رعایت این اصول در روند مکالمه جلب‌نظر نمی‌کند و زمانی جلب توجه می‌شود که طرفین از رعایت این اصول تخطی کنند و به اصلاح مکالمه‌ای «غیرمؤدبانه» شکل بگیرد. (پیزوکنی، ۲۰۰۶: ۶۷۹)

-اسکالن و اسکالن^۱ (۱۹۸۳: ۱۵۶) ادب را الگویی از تعامل اجتماعی می‌دانند. تمرکز آنها روی این مسأله است که طرفین شرکت‌کننده در یک گفت‌وگو چگونه در روند مکالمه با مجموعه‌ای از روابط روبه‌رو می‌شوند. آنها بین سه نوع ساز و کار ادب تفاوت قائل می‌شوند: احترام، همبستگی و رابطه سلسله‌مراتبی. اسکالن و اسکالن تاکید می‌کنند که قائل شدن به این

^۱ Scollon and Scollon

دسته‌بندی، تفاوت ادب در فرهنگ‌های مختلف را تبیین می‌کند. آنها همچنین دو راهبرد که در ادب استفاده می‌شود را معرفی می‌کنند:

۱- مشارکت و درگیری: این راهبرد به جنبه تعاملی اشاره می‌کند که بر ارتباط بین شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو تأکید دارد و با علاقه نشان دادن به دیگران، توجه نشان دادن به دیگران، عضویت در گروه‌ها و به کار بردن نام کوچک افراد نمود خواهد یافت.

۲- استقلال: این راهبرد تلاش می‌کند بر حوزه فردیت و حریم خصوصی طرفین شرکت‌کننده در گفت‌وگو تأکید کند. این استقلال می‌تواند با به حداقل رساندن پیش‌فرض‌ها، مختار گذاشتن مخاطب در عدم ارائه پاسخ، استفاده از یک زبان منحصر به فرد و به کار بردن نام‌های رسمی و عنوان‌های افراد محقق شود.

الن (۲۰۰۱، ۳۰) معتقد است که مقوله ادب را می‌توان به دو بخش ادب ۱ و ادب ۲ تقسیم کرد. ادب ۱ به این مسأله اشاره دارد که ادب چگونه می‌تواند در عمل و مبتنی بر رویکردی روزمره در تعاملات اعمال شود. این نتیجه‌گیری شامل این است که چه چیزی مؤدبانه است و جلوه‌های ادب چیست.

الن پنج ویژگی برای ادب ۱ قائل است که عبارتند از:

۱- ارزیابی: «ادب» و «بی‌ادبی» به ارزش‌های اجتماعی وابسته هستند و بوده و می‌توانند توسط دیگران مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند. بی‌ادبی ارزیابی منفی را به دنبال خواهد داشت و ادب هم می‌تواند ارزیابی مثبت و هم ارزیابی منفی را به دنبال داشته باشد.

۲- بحث‌پذیری: این مسأله مبتنی بر موقعیت‌هایی است که در آن برای طرفین شرکت‌کننده در گفت‌وگو پتانسیلی برای به دست آوردن یا از دست دادن چیزی وجود دارد.

۳- طیف ادب: به منتهی‌الیه ادب در طیف ادب - بی‌ادبی اشاره داشته و مبین این مسأله است که هر طرفی، خود یا گروه خود را مؤدب دانسته و معتقد است که این دیگران هستند که ادب را رعایت نمی‌کنند.

۴- هنجارمندی: رعایت هنجارها بر این مسأله تأکید دارد که ادب، نتیجه هنجارهای اجتماعی است و به همین دلیل این اجازه را می‌دهد که به آن برچسب «مناسب» زده شود.

۵- ماهیت و بازتاب‌پذیری: به گزینه‌هایی که طرفین گفت‌وگو در ارتباط با راهبردهایی برای به کار بردن ادب در پیش می‌گیرند، گفته می‌شود.

به اعتقاد الن، ادب ۲ به جنبه‌های نظری و علمی ادب اشاره داشته و به وضوح نحوه کارکرد ادب ۱ را تشریح می‌کند. در حالی که ادب ۱ محدود به طیف ادب - بی‌ادبی است، ادب ۲ کل طیف را پوشش داده و غیرقابل ارزیابی است. الن معتقد است که ادب و بی‌ادبی هر دو می‌توانند از یک منظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. وی تأکید می‌کند که هر دو مقوله می‌توانند با نحوه گفتار گوینده و نحوه برداشت و تعبیر شنونده به طور هم‌زمان ایجاد شوند. به گفته الن، ادب جهانی نیست، ولی می‌تواند با نرم‌های اجتماعی که فرهنگ‌ویژه هستند، شکل بگیرد. به عنوان نتیجه، ادب از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از زبانی به زبان دیگر و حتی از گویشی به گویش دیگر تغییر کند. نظریه الن برای برداشت شنونده اهمیت بیشتری قائل است و بر اهمیت رابطه بین فرهنگ و ادب تأکید می‌کند.

- واتس (۲۰۰۳، ۲۰) هم مانند الن، ادب را به دو بخش تقسیم می‌کند. بخش اول به انتظارات ما از رفتارهای مؤدبانه و غیرمؤدبانه اشاره دارد. این تقسیم‌بندی به شدت بحث‌برانگیز است زیرا کاملاً فرد- وابسته بوده و به برداشت‌های شخصی هر فرد از رفتارهای مؤدبانه و غیرمؤدبانه بستگی دارد. وایت (۲۰۰۵) بخش دوم به برداشت‌های جهانی درباره ادب اشاره دارد. وایت تأکید می‌کند که این برداشت‌ها معمولاً غیردقیق هستند، زیرا ادب در حیطه

تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و بنابراین در هر فرهنگی با فرهنگ دیگر متفاوت است. نظریه واتس بر این مسأله تأکید می‌کند که ادب هم جنبه اجتماعی و هم از جنبه شناختی برخوردار است که در بستر تعاملات اجتماعی گسترش یافته و در روندی شناختی، درونی می‌شود. وی بر این باور است که یک رفتار مؤدبانه به این دلیل مؤدبانه ارزیابی می‌شود که در یک بافت اجتماعی خاص، مناسب تشخیص داده شده است و رفتار نامناسب نیز به دلیل تخطی از انتظاراتی که در همین بافت وجود دارد، غیرمؤدبانه ارزیابی می‌شود. او تأکید می‌کند که «ادب و بی‌ادبی» لزوماً در تقابل با یکدیگر قرار نداشته و مرز مشخصی بین آنها وجود ندارد.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر اصول ادب لیچ است. رویکرد لیچ به مسأله ادب، ماهیتی کاربردشناختی دارد. وی بررسی‌های خود را با ایجاد دو نظام کاربردشناختی آغاز می‌کند: زبان‌شناسی کاربردی و کاربردشناسی اجتماعی. زبان‌شناسی کاربردی شامل نیات گوینده و رفتارهای طرفین شرکت‌کننده در مکالمه است. این سیستم برای جنبه زبان‌شناختی کاربرد ادب اهمیت بیشتری قائل است. در عوض، کاربردشناسی اجتماعی به این مسأله اشاره دارد که گوینده چگونه می‌خواهد از لحاظ اجتماعی درک شود.

لیچ همچنین دو نوع بلاغت را برای مکالمه معرفی می‌کند: بلاغت مبتنی بر بافت و بلاغت بینافردی. بلاغت بینافردی به ادب اشاره داشته و شامل سه اصل می‌شود (فریزر، ۱۹۹۰: ۲۱۹)

۱- اصل ادب: این اصل به روابط بین گوینده و مخاطب اشاره دارد. ایجاد و حفظ احساس تعلق و وحدت با یک گروه از اهمیت زیادی برخوردار است. این اصل بر اهمیت نظام‌مند شدن آشنایی تأکید داشته و به شرکت‌کنندگان

در گفت‌وگو اجازه می‌دهد که باور کنند حضور آنها در روند مکالمه سازنده بوده و پذیرفته است.

۲- اصل طنز: این اصل به این مسأله اشاره دارد که یک گوینده چگونه به‌رغم این‌که ممکن است نیت غیرمؤدبان‌های داشته باشد، به عنوان یک گوینده مؤدب شناخته شود.

۳- اصول مکالمه‌ای گرایس: لیچ اصول ادب را به عنوان مکمل اصول همکاری گرایس معرفی کرده است که عدم رعایت آنها توقف روند گفت‌وگو را به دنبال خواهد داشت. این شش اصل پیشنهادی شامل موارد زیر است: اصل درایت: بیان عبارات یا اعتقاداتی که هزینه‌ای به طرف مقابل تحمیل می‌کند، به حداقل و بیان عقاید یا عباراتی که به طرف مقابل سود می‌رساند، به حداکثر برسد. (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۲)

اصل سخاوت: بیان عبارات یا اعتقاداتی که به خود سود می‌رساند را به حداقل برسانید. بیان عبارات یا اعتقاداتی که باعث تحمیل هزینه به خود می‌شود را به حداکثر برسانید. (همان)

اصل تائید: مخالفت با طرف مقابل را به حداقل و تائید طرف مقابل را به حداکثر برسانید. (همان)

اصل تواضع: بیان عباراتی در تقدیر از خود را به حداقل و انتقاد از خود را به حداکثر برسانید. (همان)

اصل همراهی: بیان عباراتی که حاکی از همراهی با طرف مقابل است را به حداکثر و بیان عبارات که حاکی از عدم همراهی با طرف مقابل است را به حداقل برسانید. (همان)

اصل همدردی: بزرگ‌نمایی رنج‌های طرف مقابل را به حداقل و همدردی با طرف مقابل را به حداکثر برسانید. (همان)

به اعتقاد لیچ، موقعیت‌های متفاوت، درجات متفاوتی از ادب را ایجاب می‌کند. وی به چهار موقعیت اصلی اشاره می‌کند که رعایت ادب در آنها ضروری است:

۱- موقعیت رقابتی: هدف گفتاری با هدف اجتماعی رقابت می‌کند. در چنین موقعیتی، ادب یک گزینه منفی به شمار می‌رود. به عنوان مثال: دستور دادن به کسی.

۲- موقعیت مشارکتی: هدف گفتاری با هدف اجتماعی مطابقت دارد. در چنین موقعیتی ادب یک گزینه مثبت به شمار می‌رود. به عنوان مثال: تشکر کردن از کسی.

۳- موقعیت همکاری: هدف گفتاری ارتباطی به هدف اجتماعی ندارد. به عنوان مثال: اعلام کردن چیزی.

۴- موقعیت تداخلی: هدف گفتاری با هدف اجتماعی تداخل دارد. به عنوان مثال اتهام وارد کردن به کسی. (فریزر، ۱۹۹۰: ۲۱۹)

طی این پژوهش که از نوع تحلیلی - توصیفی است، ۲۰۰ مصرع از اشعار مناظره‌ای پروین اعتصامی به شیوه کتابخانه‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شده است. این بیت از کتاب مثنویات، تمثیلات و مقطعات پروین اعتصامی (درودیان، ۱۳۸۵) انتخاب شده است. در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل محتوا رعایت یا نقض هر یک از اصول شش‌گانه ادب لیچ در تک تک این مصرع‌ها بررسی می‌شود. سپس با استفاده از روش تحلیل فراوانی، بسامد رعایت یا نقض هر یک از این اصول مشخص شده و با یکدیگر مقایسه می‌شود.

این فراوانی با استفاده از فرمول: $Pi = Fi/Ni$ به دست می‌آید که در آن Pi فراوانی نسبی، Fi فراوانی مطلق و Ni حجم نمونه است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به عنوان نمونه به بررسی ۳۰ بیت از اشعار پروین اعتصامی بر اساس اصول ادب لیچ می‌پردازیم:

- (۱) در باغ، وقت صبح چنین گفت گل به خار
(۲) گلزار، خانه گل و ریحان و سوسن است
کز خویش، هیچ نایب‌ای زشت روی عار
آن به که خار، جای گزیند به شوره‌زار

- ۳) پژمرده خاطر است و سرافکنده و نژند
- ۴) با من ترا چه دعوی مهر است و همسرید
- ۵) در صحبت تو، پاک مرا تار و پود سوخت
- ۶) گه دست میخراشی و گه جامه میدری
- ۷) پاکی و تاب چهره من، در تو نیست هیچ
- ۸) شبنم، همواره بر ورقم بوسه می‌زند
- ۹) در زیر پا نهند ترا رهروان ولیک
- ۱۰) بی رونقیم و بیخود و ناچیز، زان سبب
- ۱۱) عالمی طعنه زد به نادانی
- ۱۲) چون تویی را به نیم جو نخر
- ۱۳) نه تن این، بر دل تو بار بلاست
- ۱۴) بر شاخ هنر چگونه خوری
- ۱۵) نشود هیچگاه پیرو جهل
- ۱۶) نسزد زندگی و بی‌خبری
- ۱۷) ره آزادگان، دگر راهی است
- ۱۸) راحت آنرا رسد که رنج برد
- ۱۹) هنر و فضل در سپهر وجود
- ۲۰) گر تو هفتاد قرن عمر کنی
- ۲۱) سر ما را بسر بسی سوداست
- ۲۲) نه شما را از دهر منظوری است
- ۲۳) همه خلق، دوستان منند
- ۲۴) همچو مرغ هوا سبک بپریم
- ۲۵) وقت تدبیر، دانشم یار است
- ۲۶) باغ حکمت، خزان نخواهد دید
- ۲۷) همراز وی گنج عرفان نیست
- ۲۸) عقل، مرغ است و فکر دانه او
- ۲۹) هم ز جهل تو سوخت حاصل تو
- ۳۰) صبح ما شامگه نخواهد داشت

- در باغ، هر که را نبود رنگ و بو و بار
- ناچیزی توام، همه جا کرد شرمسار
- شاد آن گلی، که خار و خشخاش نیست در جوار
- با چون تویی، چگونه توان بود سازگار
- با آنکه باغبان منت بوده آبیار
- ابرم بسر، همیشه گهر میکند نثار
- ما را بسر زنند، عروسان گلغذار
- زما دریغ داشت خوشی، دور روزگار
- که به هر موی من دو صد هنر است
- مرد نادان ز چارپا بتر است
- نه سر این، بر تن تو درد سر است
- تو که کارت همیشه خواب و خور است
- هر که در راه علم، رهسپر است
- مرده است آنکه چون تو بیخبر است
- مردمی را اشارتی دگر است
- خرمن آنرا بود که برزگر است
- عالم افروز چون خور و قمر است
- هستیت هیچ و فرصت هدر است
- ره ما را هزار رهگذر است
- نه کسی را سوی شما نظر است
- مگسانند هر کجا شکر است
- که مرا علم، همچو بال و پر است
- روز میدان، فضیلتم سپر است
- هر زمان جلوه‌ایش تازه‌تر است
- هر چه در کان دهر، سیم و زر است
- جسم راهی و روح راهبر است
- عمر چون پنبه، جهل چون شرر است
- آفتاب شما به باختر است

جدول ۴-۱- نقض اصول لیج در اشعار پروین اعتصامی

شماره بیت	اصل نقض شده	شماره بیت	اصل نقض شده
۱	درایت	۱۶	درایت- همدردی
۲	درایت- تواضع - سخاوت	۱۷	-
۳	درایت- تواضع - سخاوت- همدردی	۱۸	-
۴	درایت- تواضع - سخاوت- همدردی	۱۹	-
۵	درایت- تواضع - سخاوت	۲۰	درایت- همدردی
۶	درایت- همدردی	۲۱	سخاوت- تواضع
۷	درایت- تواضع- سخاوت	۲۲	درایت- همدردی
۸	سخاوت- تواضع	۲۳	سخاوت- تواضع
۹	درایت- تواضع - سخاوت- همدردی	۲۴	سخاوت- تواضع
۱۰	-	۲۵	سخاوت- تواضع
۱۱	درایت- تواضع- سخاوت	۲۶	-
۱۲	درایت- همدردی	۲۷	-
۱۳	درایت- همدردی	۲۸	-
۱۴	درایت- همدردی	۲۹	درایت- همدردی
۱۵	-	۳۰	درایت- همدردی- سخاوت- تواضع

۱- در بیت اول به دلیل اطلاق صفت «زشت روی» به مخاطب و همچنین بیان این که مخاطب باید «از خود عار داشته باشد» اصل درایت نقض شده است. چرا که این اصل تاکید دارد که بیان عبارات یا اعتقاداتی که هزینه‌ای به طرف مقابل تحمیل می‌کند، باید به حداقل برسد.

۲- در بیت دوم با بیان این که «گلزار خانه گل» است، اصل تواضع و سخاوت نقض شده است. در این بیت همچنین با بیان این که «خار باید در شوره زار جای داشته باشد» اصل درایت که بر لزوم به حداقل رسیدن هزینه برای طرف مقابل تاکید دارد، نقض شده است.

۳- در بیت سوم به دلیل اطلاق صفت‌های «پژمرده خاطر»، «سرافکنده» و «نژند» به طرف مقابل اصل درایت و همدردی نقض شده است. چرا که بر اساس اصل همدردی، بزرگ‌نمایی رنج‌های طرف مقابل باید به حداقل برسد و بر اساس اصل درایت نیز بیان عباراتی که باعث تحمیل هزینه به طرف مقابل می‌شود، باید به حداقل برسد.

۴- در این بیت با اطلاق صفت «ناچیز» به مخاطب و پایین‌تر دانستن جایگاه او، اصل درایت و همدردی نقض شده است و با بالاتر دانستن جایگاه خود، اصول تواضع و سخاوت نقض شده است.

۵- در این بیت با بیان این که «مصاحبت طرف مقابل باعث وارد شدن ضرر» شده است، اصل درایت نقض شده و با بالاتر دانستن جایگاه گل و فرو دست دانستن جایگاه «خار و خس» اصول تواضع و سخاوت نقض شده است.

۶- در بیت ششم با بیان عباراتی مانند این که خار «دست را می‌برد» و «جامه را می‌درد» اصل درایت که مستلزم به حداقل رسیدن هزینه‌ای است که به طرف مقابل تحمیل می‌شود، نقض شده است. در این بیت همچنین با استفاده از این عبارات، اصل همدردی که بر لزوم به حداقل رساندن رنج‌های طرف مقابل تاکید دارد، نقض شده است.

۷- در این بیت با نسبت دادن صفت‌های «پاکی» و «تاب» به چهره خود اصل سخاوت و تواضع نقض شده و با تاکید بر عدم وجود این صفات در طرف مقابل، اصل درایت نقض شده است.

۸- در بیت هشتم با به کار بردن عبارت‌هایی مبنی بر این که «شب‌نم همواره بر گلبرگ‌های من بوسه می‌زند» و «ابر بر سر من گوهر می‌ریزد» اصل سخاوت که مستلزم به حداقل رسیدن بیان عباراتی است که به خود سود می‌رساند و اصل تواضع که مستلزم به حداقل رسیدن عبارات در تقدیر از خود است، نقض شده است.

۹- در این بیت با بیان این که «عابران تو را زیر پا می‌گذارند» اصل درایت و همدردی نقض شده و با بیان این که «عروسان گل‌عذار ما را به سر می‌زنند» اصول سخاوت و تواضع نقض می‌شود.

۱۰- در این بیت هیچ‌یک از اصول لیج نقض نشده است و به طور مشخص اصول سخاوت و تواضع در آن رعایت شده است.

۱۱- در این بیت با بیان عبارت «به موی من دو صد هنر است» از اصل تواضع که تاکید دارد عبارات در تقدیر از خود باید به حداقل برسد و همچنین اصل سخاوت که بر به حداقل رسیدن بیان عبارات سودرساننده به خود تاکید دارد، تخطی شده است.

۱۲- در این با بیان عبارت «چون تویی را به نیم جو نخرند» از اصل درایت که مستلزم به حداقل رسیدن عبارات تحمیل‌کننده هزینه به طرف مقابل است و همچنین اصل همدردی که بر لزوم به حداکثر رسیدن همدردی با طرف مقابل تاکید دارد، تخطی شده است.

۱۳- در این بیت کل عبارت بیانگر نقض اصل درایت است که بر به حداقل رسیدن عبارات تحمیل‌کننده هزینه به طرف مقابل تاکید دارد و همچنین اصل همدردی که بر لزوم به حداکثر رسیدن همراهی با طرف مقابل تاکید می‌کند، نقض شده است.

۱۴- در این بیت با بیان عبارت «تو که کارت همیشه خواب و خور است» اصول درایت و همدردی نقض شده است.

۱۵- در این بیت هیچ یک از اصول لیج نقض نشده است.

۱۶- در این بیت با نسبت دادن واژه «بی خبر» به طرف مقابل، اصل درایت و همچنین اصل همدردی نقض شده است.

۱۷، ۱۸، ۱۹- در این بیت هیچ یک از اصول لیج نقض نشده است.

۲۰- در این بیت با بیان عبارت «هستیات هیچ و فرصت هدر است» از اصول همدردی و درایت تخطی شده است.

۲۱- در این بیت با بیان عبارت های «سر ما را بسی سوداست» و «ره ما را هزار رهگذر است» از اصول تواضع و همچنین اصل سخاوت تخطی شده است.

۲۲- در این بیت با بیان عبارت های «نه شما را ز دهر منظوری ست» و «نه کسی را سوی شما نظر است» از اصول همدردی که بر لزوم به حداقل رساندن رنج های طرف مقابل و درایت که بر لزوم به حداقل رسیدن عبارات تحمیل کننده هزینه به طرف مقابل تاکید دارد، تخطی شده است.

۲۳- در بیت بیست و سوم با به کار بردن عبارت «همه خلق دوستان منند» اصل سخاوت که مستلزم به حداقل رسیدن بیان عباراتی است که به خود سود می رساند و اصل تواضع که مستلزم به حداقل رسیدن عبارات در تقدیر از خود است، نقض شده است.

۲۴- در این بیت با بیان عبارتی مانند «مرا علم، همچو بال و پر است» اصول سخاوت و تواضع، نقض شده است.

۲۵- در این بیت نیز با بیان عبارتهایی مانند «وقت تدبیر، دانشم یار است» و «روز میدان، فضیلت من سپر است» از اصول تواضع که تاکید دارد بیان عبارات در تقدیر از خود باید به حداقل برسد و همچنین اصل سخاوت که تاکید دارد

بیان عباراتی که به خود سود می‌رساند باید به حداقل برسد، تخطی شده است.

۲۶، ۲۷، ۲۸- در این بیت ها هیچ یک از اصول لیج نقض نشده است.

۲۹- در این بیت با بیان عبارت «هم ز چهل تو سوخت حاصل تو» از اصل درایت که مستلزم به حداقل رسیدن عبارات تحمیل کننده هزینه به طرف مقابل است و همچنین اصل همدردی که بر لزوم به حداکثر رسیدن همدردی با طرف مقابل تاکید دارد، تخطی شده است.

۰- در این بیت با به کار بردن عبارت «صبح ما شامگه نخواهد داشت»

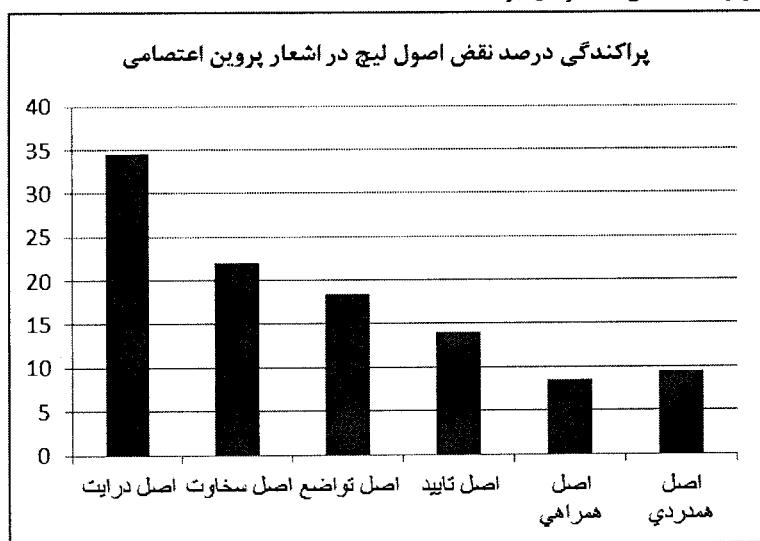
از اصول تواضع و همچنین با بیان عبارت «آفتاب شما رو به باختر است» اصل درایت نقض شده است. در این بیت همچنین با استفاده از این عبارات، اصل همدردی که بر لزوم به حداقل رساندن رنج‌های طرف مقابل تاکید دارد، نقض شده است.

جدول ۴-۲- نوع پراکندگی نقض اصول لیج در اشعار پروین اعتصامی

نوع اصل	تعداد موارد نقض
درایت	۶۹
سخاوت	۴۴
تواضع	۳۷
تائید	۲۸
همراهی	۱۷
همدردی	۱۹

بررسی دویست بیت از اشعار پروین نظامی نشان می‌دهد که اصول ادب لیج در ۲۱۴ مورد نقض شده است که ۶۹ مورد آن مربوط به اصل درایت، ۴۴ مورد مربوط به اصل سخاوت، ۳۷ مورد مربوط به اصل تواضع، ۲۸ مورد

مربوط به اصل تائید، ۱۷ مورد مربوط به اصل همراهی و ۱۹ مورد دیگر مربوط به اصل همدردی بوده است.



نمودار ۳-۴- پراکندگی درصد نقض اصول لیچ در اشعار پروین اعتصامی

داده‌های این نمودار نشان می‌دهد که بیشترین موارد نقض اصول لیچ در اشعار پروین اعتصامی مربوط به اصل درایت (۳۴.۵ درصد) و کمترین موارد مربوط به اصل همراهی (۸.۵) است.

۵. نتیجه‌گیری

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که کدام یک از اصول ادب لیچ در اشعار پروین اعتصامی با بسامد بیشتری رعایت و کدام‌یک از آن‌ها بیشتر از همه نقض شده است.

نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین موارد نقض اصول ادب لیچ در اشعار پروین اعتصامی مربوط به اصل درایت با ۶۹ مورد نقض و

کمترین موارد مربوط به اصل همراهی با ۱۷ مورد نقض بوده است. (اصل درایت در ۵. ۳۴ درصد موارد و اصل همراهی در ۵. ۸ درصد موارد نقض شده است.)

این مسأله با توجه به ماهیت تعلیمی اشعار پروین اعتصامی که عمدتاً به دنبال آموزش اصول اخلاقی است، کاملاً توجیه پذیر به نظر می‌رسد. پرسش دیگر این پژوهش این است که آیا نقض اصول ادب لیج در پیکره زبانی اشعار پروین اعتصامی پایان روند گفت‌وگو را به دنبال دارد یا خیر. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که نقض اصول ادب لیج، پایان فرایند گفت‌وگو را به دنبال نداشته و مکالمه دو طرف همچنان ادامه پیدا می‌کند. دلیل این مسأله را می‌توان در هدفمند بودن اشعار و تلاش برای القای مفاهیم مورد نظر شاعر به مخاطب جست‌وجو کرد.

منابع

- پاک‌روان، حسین. (۱۳۸۳). «بررسی چهارده گفت‌وگوی فارسی در قالب اصول همکاری گرایس»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۰، ۸۲-۵۶.
- پیمانی، محسن. (۱۳۷۶). تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در مکالمات قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- جهرمی، محمدصادق. (۱۳۷۷). بررسی و شناخت صورتهای مؤدبانه در بعضی از جوامع عمده استان فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- درویدیان، ولی‌الله (۱۳۸۵)، دیوان قصاید، مثنویات، تمثیلات و مقطعات پروین اعتصامی، تهران: نشر نی.
- غضنفری، محمد. (۱۳۷۸)، «جلوه‌هایی از بازتاب «اصول ادب» در تاریخ بیهقی»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۲، ۲۹-۴۷.

- محمودی بختیاری، بهروز و فرشته حکمت، نرگس (۱۳۹۲). «کاربست نظریه‌های زبان‌شناسی در تحلیل اثر هنری؛ کاربرد نقض اصل ادب در تحلیل نمایشنامه «وای بر مغلوب» غلامحسین ساعدی»، مجله باغ نظر، شماره ۲۶، ۲۳-۳۲
- Brown, P. & Levinson, S., (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. London and New York: Cambridge University Press
- Eelen, G (2001), *A Critique of Politeness Theories*, Manchester: St. Jerome's Press.
- Fraser, B. (1990). «Perspectives on Politeness». *Journal of Pragmatics* 14, 219-236
- Fraser, B. and W. Nolen. (1981): «The association of Deference with Linguistic Form». *International Journal of Sociology of Language* 27: 93-109
- Johnstone, B. (2008). «Discourse Analysis». Meldon, MA, USA: Blackwell Publishing.
- Lakoff, R. (1977). *What you can do with words: Politeness, pragmatics and performatives*. In: *Proceedings of the Texas Conference on Performatives, Presuppositions and Implicatures*, ed. R. Rogers, R. Wall & J. Murphy, pp. 79-106. Arlington, Va.: Center for Applied Linguistics..
- Leech, Geoffrey. (1983) .*Principles of pragmatics*. London: Longman
- Scollon, R., and S.W.Scollon. (1983). «Face in Interethnic Communication». *Language and Communication*. London: Longman: 156-190
- Pizziconi, B (2006). *polietness*. In the Encyclopedia of Language & Linguistics: 679-84. Second editon. Oxford: Elsevier.
- Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- White, M. (2005).«Politeness». *Canadian Journal of Sociology Online*, January-February.